افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مبـــاد بدین بوم و بر زنده یک تن مــباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com afgazad@gmail.com

اجتماعی	Social

محمد حیدر اختر

۱۹ دسمبر ۲۰۱۵

دراندوه سه هنرمند چیره دست

هنرمندان، هنردوستان، فرهنگیان و مردم افغانستان، در داخل وخارج ازکشور، به علاوهٔ این که از اوضاع نا بسامان افغانستان رنج می برند، درطول یک ماهی که گذشت در غم واندوه سه هنرمند ممتاز وشناخته شدهٔ جهان موسیقی وتیاترنشستند. همه به خوبی می دانند که هنرمند شدن، هنرمند بودن و هنرمند ماندن کار هرخس وخاشاکی نیست که نیست. هرکدام ازاین هنرمندان درطول سال های متوالی با قبول هزار گونه مشکلاتی که سد راه فعالیت های هنری شان قرار داشت، سینه سپرکردند وخود را تا آن جا ها رسانیدند که هنرشان مورد قبول هنردوستان قرار گرفت .

مؤمن خان بیلتون

استاد "مؤمن خان بیلتون" یکی از هنرمندان ممتاز افغانستان بود که با تأسف به روز ۱۸ عقرب مصادف به ۹ نومبر سال ۲۰۰۱۵ به اثر مریضی که عاید حالش شده بود، جهان فانی را وداع گفت.

"مؤمن خان بیلتون" درسال ۱۳۱۱ هجری خورشیدی در شهر مزارشریف دیده به جهان گشود . پدرش "جمعه خان" نام داشت و پیشه اش دهقانی بود. "بیلتون" پیش از آن که به اوج شهرت و محبوبیت دربین مردم قرار بگیرد، سال های قبل، یعنی آن گاه که کودکی بیش نبود با آلات موسیقی آشناشد و علاقهٔ زیادی به موسیقی از خود ابراز نمود. وی هنوز چشم به دنیا نگشوده بود که پدرش دنیای فانی را وداع گفته و هنوز طفل کوچکی بیش نبود که مادرش را از دست داد و طفل محروم از نوازش والدین در خانهٔ خواهرش در ولایت لوگر به زندگی اش ادامه داد. "بیلتون" با وجود همهٔ مشکلات فقرو بیچارگی با توله ای که از نی ساخته شده بود، آهنگ هائی را می نواخت و گاه گاهی آهسته آهسته آهنگی را با خودش زمزمه می کرد . دوستان و همسالانش وی را تشویق می کردند و درپی تحسین آوازش بر می آمدند. همزمان او با پشتکار وعلاقه مندی روانش

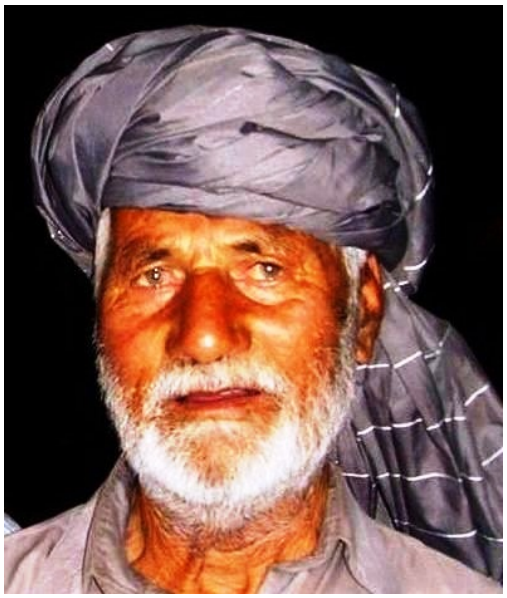

را با نغمه ها و آواز ها هماهنگی می بخشید وبا سازها خلوت می کرد وزمانی هم با پنجه های کوچکش تارهای تنبورش را نوازش می داد.

بعضی اوقات به اثر اصرار دوستان بزم دوستانهٔ همسالانش را با صدایش گرم می ساخت و گاهی هم چار دیواری های بلند قلعه های گلی منطقهٔ لوگر را باساز و سردوش رونق می بخشید و پیوسته اینجا و آنجا تحسین همگان را بر می انگیخت وشمار علاقه مندانش از همان آوان، روز تا روز بیشتر و افزونتر می گشت. "بیلتون" زمانی که در لوگر بود به حلقهٔ شاگردان "بهائی جان" پیوست و چهار سال تمام خدمت وی را کرد واز او شعر های زیادی آموخت. (۱) تا بالاخره برای بار نخست با معرفتی که با استاد "دُرَی لوگری" پیدا کرد، پایش به عقب میکروفون رادیو افغانستان کشانیده شد و اولین آهنگش را از طریق امواج رادیو تقدیم هنر دوستان کرد .

"بیلتون" هنرمندی بود که درمیان مردم خود زندگی کرد وهنرش را باصفاء و صمیمیت در خدمت جامعه ومردمش قرار داد، زیرا او هر باری که در محافل وکنسرت ها ظاهرمی گشت با علاقه مندان آوازش هر نوع فاصله را می برید و خود را با مردم خود نزدیک ونزدیکتر احساس می کرد و همان بود که باز تاب های احساس مردمش را به خوبی درک می کرد.

"بیلتون" در طول دورهٔ فعالیت های هنری اش، چار بار به حیث هنرمند سال « موسیقی محلی » از طرف مردمش شناخته شده و پنج مدال هنری را ازآن خود ساخت وآخرین بار از طرف تلویزیون آریانای کابل نیز منحیث هنرمند سال در بخش موسیقی محلی انتخاب گردید.

"بیلتون" سفرهای زیادی به خارج از کشور مانند ترکیه ، بلغاریه و یو گوسلاویا داشته و در کنسرت هایش مورد استقبال قرار گرفته است. بعد از مهاجرت از افغانستان سفر هنری به اروپا وامریکا نیز داشت که با گرمی زیادی مورد استقبال هموطنانش در خارج از کشورنیزقرار گرفت .

استاد "بیلتون" ازدواج نموده بود وهفت فرزند دارد و یگانه آرزویش این بود که تا پایان عمر به حیث هنرمند در خدمت مردمش قرار داشته باشد. با صد دریغ و درد که در سالهای پر رنج زندگی، استاد "بیلتون" بینائی و شنوائی اش را ازدست داده و در کنج خانه زمینگیر شد دیگر پنجه هایش توان آن را نداشت که تار های تنبورش را به اهتزاز بیاورد و دیگر نتوانست آواز بخواند وبه بسیار مشکل سخن می گفت. وزارت اطلاعات وفرهنگ و ریاست عمومی رادیو تلویزیون افغانستان نتوانسته و یا شاید هم نخواستند این هنرمند والا و بی بدیل کشور را جهت معالجه به یکی از کشورهای خارجی، مانند هندوستان بفرستند .

زمانی که این هنرمند والا چشم از جهان پوشید وزیر اطلاعات و فرهنگ به منزلش رفت ولی نخواست جنازهٔ این هنرمند مردمی را تا خانهٔ قبر مشایعت نماید .

رسانه های افغانستان نیز گزارشی از مراسم تدفین استاد "بیلتون" را به تصویر نکشیدند وهمهٔ رسانه ها مصروف گزارشات تظاهرات مردم، به خاطر به قتل رسانیدن هفت شهروند افغانستان توسط تروریستان طالبی و داعشی بودند.

داکترمحمد نعیم فرحان

همچنان با تأسف و تآثر فراوان اطلاع یافتیم که دکتور "محمد نعیم فرحان" از شخصیت های بارز و یکتن از چهره های آشنای دنیای هنرموسیقی وتیاتر نیز به تاریخ ۲۲ نومبر درشهر سدنی استرالیا جهان فانی را وداع گفت .

داکتر "محمد نعیم فرحان" در سال ۱۳۱۷خورشیدی درولایت قندهار دیده به جهان گشود و پس از مدتی با خانواده اش به شهر کابل مسکن گزین شد.

داکتر "فرحان" تحصیلات خویش را درلیسهٔ عالی حبیبه و لیسانسش را در رشتهٔ تاریخ و جغرافیه در سال ۱۳۴۲ از پوهنځی ادبیات و علوم بشری پوهنتون کابل دریافت نمود. سپس برای ادامهٔ تحصیل به چکوسلواکیا رفت و در یکی از بهترین دانشگاه های اروپا یعنی دانشگاه چارلز پراگ به مدت ده سال تحصیل نمود و با کسب مقام دکتورا از آن فارغ گردید و جهت خدمت به کشورش بازگشت .

مرحوم "فرحان" از آوان جوانی به هنر آوازخوانی و تمثیل در تیاتر؛ ابتداء به نام "نعیم شعله" و بعداً "نعیم فرحان" به فعالیت های هنری اش ادامه داد و بعد از تحصیلات اکادمیک به عنوان کارگردان ، مترجم و کارشناس برازندهٔ عرصهٔ تیاتر از شهرت فراوان برخوردار شد. او نمایشنامه های زیادی نوشت و ترجمه کرد و به همراهی نخبگان تیاتر افغانستان چون خانم "حبیبه عسکر"، استاد "عبدالقیوم بیسد"، "رفیق صادق"، "حمید جلیا" و "مسرور نجیمی" برروی صحنه رفت.

موصوف با کسب لقب کارمند شایستهٔ فرهنگ ، مدالها ، نشان ها و جوایزو تقدیر نامه های فراوانی را به خاطر ابتکارات هنری به دست آورد و در دههٔ شصت ابتداء به حیث استاد و بعداً به صفت رئیس پوهنځی هنرها در پوهنتون کابل کرسی اکادمیک داشت و جوانان هنرمند فراوانی را درین راستا تربیه نمود.

از کارهای شاخص این بازیگر برجستهٔ تئاتر افغانستان، می‌توان به نمایشنامه‌هائی چون: شام زندگی، زنان عصبی، شربت غیرت، خاطرهٔ یک شب، کور خود بینای مردم، حماسهٔ مادر گورکی، ملالی دوشیزهٔ افغان، جبارخان و جلادخان، میرزا قلمها، عزیزم مرا بکش، تو قهرمان نیستی، همهٔ مادران مادرم است، امشب شاه می‌میرد و تاجر مرگ، اشاره کرد.

جنازهٔ داکتر نعیم فرحان درشهر سدنی استرالیا به خاک سپرده شد روانش شاد باد.

استاد سلیم بخش

وبالاخر به روز سه شنبه اول دسمبر۲۰۱۵ میلادی خبرمرگ هنرمند شناخته شدهٔ کشور استاد "سیلم بخش" پسر شهنشاه غزل استاد "رحیم بخش" از طریق فیسبوک جناب انجنیر "محمد صدیق قیام" انتشار یافت. رسانه های افغانستان از فوت استاد "سلیم بخش" خبری را انتشار ندادند واگر انتشار یافته باشد، آن را من ندیدم .

استاد"سلیم بخش" در سال ۱۳۲۹ خورشیدی در گذر "خواجه خردک" خرابات کابل در یک فامیل هنرمند چشم به جهان گشود. تا گوشش احساس کرد ساز شنید وتا چشم باز کرد آلات موسیقی را دید و مانند اکثر اهل خرابات با ساز وسرود بزرگ و بزرگترشد بعد شامل مکتب شده از لیسهٔ غازی فارغ گردید و بعد به صفت کارمند تخنیکی در ریاست مطابع دولتی شروع به کار نمود. بعداً به رادیو افغانستان رفت ومنحیث عضو ادارهٔ موسیقی رادیو افغانستان ایفای وظیفه کرد.

استاد سلیم بخش هنر موسیقی را نخست نزد پدر خود زنده یاد استاد "رحیم بخش" فرا گرفت وبعدا با برادر خود استاد "حسین بخش" نزد استاد "نزاکت علی خان" و استاد "سلامت علی خان" به شاگردی نشست. استاد "سلیم بخش" و استاد

"حسین بخش" بعداز آن که به وطن عودت نمودند به شکل دوگانه به ثبت آهنگ های کلاسیک و تهمری آغاز کرده وخوب درخشیدند.

زمانی که استاد "حسین بخش" به هندوستان مهاجر شد هردو برادر ناگزیر شدند به تنهائی هنرنمائی نمایند .

استاد "سلیم" درآرشیف رادیو تلویزیون افغانستان بیش از یک صد و چهل پارچه آهنگ کلاسیک، غزل و تهمری ضبط نموده است.

مدتی بود که استاد "سلیم بخش" از مریضی شکر رنج می برد، تا این که دراثر سکتهٔ مغزی دریکی ازبیمارستان های کابل داخل بستر شد. وزارت اطلاعات وفرهنگ جهت تداوی این هنرمند شناخته شده هیچ گونه مساعدتی را روا نداشت. بناءً در آخرین لحظات خانوادهٔ استاد "رحیم بخش" وی را به شهر پشاور پاکستان انتقال دادند اما متأسفانه بسیار ناوقت بود و هیچ گونه نتیجهٔ خوبی را در پی نداشت و بالاخره درهمانجا داعی اجل را لبیک گفت . جنازهٔ استاد "سلیم بخش" به کابل انتقال داده شد و بعداز نماز جنازه درمسجدعیدگاه درشهدای صالحین به خاک سپرده شد. گفته شده است که در مراسم جنازهٔ او از اولیای امور وزارت اطلاعات وفرهنگ کسی حضورنداشت، صرف رئیس رادیو تلویزیون ملی در مسجد عیدگاه حضور پیدا نمود ولی وقت تشییع جنازهٔ استاد گرامی را تا شهدای صالحین نداشت .

ناشررنگین وفات این بزرگان حوزهٔ هنر را به خانواده های ایشان وبه جامعهٔ فرهنگی تسلیت می گوید.

.....

۱ ــ سرگذشت موسیقی معاصر افغانستان تالیف : استاد عبدالوهاب مددی .